

خانواده‌ی با رنگ قرآن

اشاره:

- سالانه شصت هزار زن سرپرست خانوار...
- رشد ۵۸ درصدی زنان بی‌سرپرست در کشور یعنی افزایش طلاق
- گزارش بیش از ۳۰ درصد طلاق در ازدواج‌های تهران، از هر ۳/۵
ازدواج یکی به طلاق منجر می‌شود
- در طول ۱۰ سال گذشته نرخ طلاق در کشور ۱۳۴ درصد رشد
داشته است

- طلاق در سال ۸۸ به نسبت سال ۷۸ بیش از دو برابر شده است
- طلاق در ایران به ازای هر هزار نفر، یک و هفت دهم و در
خارج از کشور دو دهم است؛ این یعنی، میزان طلاق ایران،
هشت برابر کشورهای دیگر است.
- بیشترین طلاق ثبت شده در سال ۹۰ بین گروه سنی
۲۵-۲۹ سال بوده است...

این آمارها و صدها آمار دیگر، زنگ خطر نیست بلکه این‌ها
یعنی خود خطر!
چرا این‌ها را برای شما می‌گوئیم؟! شاید با خودتان بگوئید
موضوع طلاق چه دخلی با شما مخاطب نوجوان و جوان
مجله دارد؟! اما برخلاف تصور برخی‌ها که شاید چنین
فکری داشته باشند، روانشناسان و جامعه‌شناس‌ها
معتقدند برای پیشگیری از رشد طلاق در سال‌های
آینده، باید از سنین نوجوانی و جوانی فرهنگ‌سازی‌های
لازم را انجام داد.

چرا کشوری با فرهنگ غنی و مایه اسلامی باید تا این حد پیش
برود که گوی سبقت را در اختلافات خانوادگی از جوامع دیگر نیز
برباید؟! شاید علت اساسی آن است که ما اسلامی شعار می‌دهیم،
ایرانی فکر می‌کنیم، ولی کاملاً غیراسلامی و غربی رفتار می‌کنیم.
خانواده‌ای سالم است که کارکرد خود را به خوبی انجام دهد و
نقش خویش را به شایستگی ایفا کند. هدف اصلی از تشکیل
خانواده بر اساس آیات و روایات اسلامی دو چیز است:

۱. کسب آرامش روحی
۲. تربیت فرزند صالح

اگر در خانواده‌ای آرامش رنگ باخته بود و یا خبری از فرزند
شایسته نبود، دیگر آن خانواده بهنجار نیست. زنی که منتظر
بازگشت همسرش به خانه نباشد، مردی که رغبتی به آمدن
به نزد خانواده‌اش ندارد و فرزندی که از بودن در کانون
خانواده حس خوبی ندارند، همه نشان از بیماری خانواده
آن‌ها دارد.

یکی از اساسی‌ترین عوامل دوری خانواده از آرامش، آن
است که افراد از منیت خود دست برنمی‌دارند و به فکر
منافع شخصی و هواهای نفسانی هستند. تا من منم و
تو تو، ما شکل نمی‌گیرد و خبری از خانواده نخواهد

بود. برخی زن و مردها جزیره‌های جدا از همد که فقط یکدیگر را
تحمل می‌کنند.

گاهی انتخاب نادرست بر اساس ملاک‌های اشتباه باعث بروز اختلاف
می‌شود. گاهی انعطاف نداشتن و سازگار نشدن با شرایط جدید باعث
تلخ‌کامی و مشاجرات می‌شود. آن چه مسلم است، آن است که اگر زن
و مرد به معنای واقعی کلمه مؤمن باشند و به ایمان خود عمل کنند،
اختلاف‌ها بسیار کم می‌شود.

از امام حسن (علیه السلام) پرسید: دخترم را به که شوهر دهم؟ فرمودند: به
فرد باتقوا که اگر دخترت را دوست بدارد اکرامش کند و اگر دوستش
ندارد به او ستم نکند.

اگر به خانواده خود به دید نعمت و امانت الهی بنگریم، طور دیگری
رفتار خواهیم کرد. همان که خداوند متعال آن را از نشانه‌های خود
می‌داند و می‌فرماید:

و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید
تا بدان‌ها آرام گیرید، و میان‌تان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این
[نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعا نشانه‌هایی است.

مودت و محبت

چه زیبا است که مودت بین زن و مرد است و رحمت هم بین
آن دو و هم بین والدین و فرزندان.

علامه طباطبایی رحمه الله در المیزان می‌فرماید مودت آن
محبتی است که در عمل ظاهر شود و رحمت آن احساس
ترحمی است که از دیدن نقص دیگری به انسان دست
می‌دهد تا نیاز آن‌را رفع کند. پس زن و مرد باید بدانند
ازدواج نشانه خدا است و باید با هدف الهی تشکیل شود
و ادامه یابد تا هدفش که آرامش است در سایه ابراز
محبت (مودت) و پرورش نسل صالح در سایه تربیت
(رحمت) به خوبی محقق شود و مایه کمال تمام
اعضای آن گردد.

خانواده کانون مهر و عیب‌پوشی و رفع نقص
است نه محل قهر و عیب به رخ کشی و جز
انسان صاحب خرد نمی‌تواند این هدف
خانواده را درک نماید و به کار بندد.

هیچ بنیانی دوست‌داشتنی‌تر از خانواده نزد
خداوند مهربان نیست. و هر چه آن‌را
خدش‌های وارد کند بی‌شک شیطانی
است.

ازدواج پیوندی است که از درختی
به درخت دیگر بزنند، اگر خوب
گرفت هر دو «زنده» می‌شوند و
اگر «بد» شد هر دو می‌میرند.